

خویشتن‌داری و خموشی را

هوشمندان حصار جان داندند

گر زبان بینی از بیان بینی

ور زبون گردی از زبان داندند

راز دل پیش دوستان مگشای

گر نتخواهی که دشمنان داندند

رهی معیری

ابدون قضاوت | نگر مفید

برای جشنواره سی‌ام فیلم فجر و داستان‌هایی که روایت می‌کند روایت روزمرگی‌های ناتمام یک نسل

نسل سوم تا دو سال پیش جایگاهی مهم و معتبر در سینما داشت، داستان‌هایش موجی از احساسات متناقض برای مخاطب و حتی مسوولان می‌ساخت و تبدیل به آینه‌ای شده بود که نمی‌شد آن را دست‌کم گرفت. در آن دوران، نسل تازه با داستان‌های خودشان روی پرده می‌آمدند و بازیگرانی در آن دوران تربیت شدند که هنوز مهم‌ترین امیلهای بازیگری نسل‌های آینده را می‌سازند. ایدان‌وایتنگ ماجراهایی درباره فرار از خانه، بحران هویت، درگیری‌های نسلی، یاغی‌گری، نامیدی، هراس‌ها و خوشحالی‌هایی بودند که تنها و تنها برای این نسل معنا پیدا می‌کرد. چیزی که در دو سال گذشته اثری از آن نبود. اما در سومین جشنواره‌ای که در دولت تازه از سر می‌گذرانیم، فیلم‌هایی به نمایش گذاشته می‌شوند که دوباره با داستان‌های نسل سوم عجین شده‌اند و روزمرگی‌های آنها را روایت می‌کنند، هراس‌هایشان، درگیری‌هایشان، داشته‌ها و نداشته‌هایشان را. و اگر قرار باشد نمونه‌ای از این فیلم‌ها را مثال زد، به صورت مشخص و معین به فیلم «پل چوبی» می‌رسیم. فیلمی درباره نسل‌سومی‌هایی که حالا در روزهای پال و پر گرفت‌ن هستند و از زمین خوردن می‌ترسند و نمی‌توانند خاطره‌های دو سال گذشته را فراموش کنند. مهدی کرم‌پور دوباره کارگردانی ماجراهایی را برعهده گرفته که با زندگی این نسل‌سومی‌ها همراه است و شبیه به آینه‌ای شده که نمی‌توان از کنارش به سادگی گذشت. به همین خاطر است که حتی اگر از بازی عجول و ناخوش‌هدهی تهرانی ناراضی باشی، داستان آن می‌تواند تو را با خود پیش ببرد و حتی کنار مخاطب جشنواره‌ور حرف‌های هم آبرویی برای خود دست و پا کند؛ آنقدر که تا پایان روز ششم در رتبه سوم تماشاگران قرار گیرد.

البته کارنامه مهدی کرم‌پور نشان می‌دهد که فیلم‌هایش همیشه نشانه‌ای از نسل سومی‌ها با خود دارد و می‌توان به علاقه‌اش احترام گذاشت. حتی اگر معتقد باشیم که ضعف در کارگردانی و بازی ناخوش‌احوال هدهی تهرانی می‌تواند بزرگ‌ترین ضربه را «پل چوبی» بزند، اما بازهم داستانی که روایت می‌شود و تاریخ‌نگاری مقطعی که در فیلم روایت می‌شود، ارزشمند است.

■ ■ ■

ترانه عیلدوستی هم یکی از آن بازیگران مطرح و معتبر نسل سومی‌هاست که می‌توان روی اسمش قسم خورد. عیلدوستی در «به پذیرایی ساده»، دقیقاً نقش دخترکی را بازی می‌کند که معلوم نیست در میانه کوه و کمر چپ می‌کند و چرا همیای دیوانگی‌های مردی شده که می‌خواهد با یک تحقیر و توهین هم که شده به مردم پول بدهد. دوباره برمی‌گردیم به یک داستان نسلی شاید، به نسلی که برای تفریحاتش دنبال یک دیوانگی بزرگ می‌گردد و دیوانه‌بازی‌هایش را به‌گونه‌ای دیگر روایت می‌کند. در «به پذیرایی ساده» هم می‌شود دنبای نسل تازه را دید، نسلی که اتفاقاً برای همراه شدن با دیوانگی‌های دیگران همیشه حاضر به ریاز است و می‌خواهد دلمشغولی‌های خودش را به هر نحوی که هست به فراموشی سپارد و جایی که پایش را می‌کشد، دچار بحران‌های بزرگی می‌شود که معلوم نیست تا کی او را همراهی می‌کند. به همین خاطر است که اگر بازی مانی حقیقی در نقش فرهاد را دوست نداشته باشیم، اما مال اخل و هوای داستانی می‌تواند ما را همراه کند و نشانه‌های آشنایی که از زندگی نسل تازه می‌دهد را جدی بگیریم.

■ ■ ■

موقعیت خطیری جلوی پای ماست، بازگشت سینما به داستان‌هایی که برای متولدان دهه شصت روایت می‌شود دوباره جان گرفته و سینمایا دوباره به سمت زندگی‌های پرازبحران نسل تازه پیش می‌رود. حداقل تصویری که روی پرده می‌بینیم، حکایت بی‌طرفانه‌ای از همین بریشانی‌ها و دلمشغولی‌هاست. اتفاقی که می‌توان برایش احترام قائل شد و برای لحظه‌ای به ماجراهای آن فکر کرد. به ماجراهایی که می‌گوید؛ ما روزهای متفاوتی در دو سال گذشته گذرانده‌ایم و حق داریم تصویری از این روزگار روی پرده ببینیم.

شوک |

بخش پاپ و بین‌الملل با یکدیگر رقابت می‌کنند

رامین صدیقی- مدیر نشر هرمس- که در این سال‌ها آثار متعددی را منتشر کرد که در نوع خود جزو برترین آثار منتشر شده در موسیقی ایران هستند، اسمال سمت مشاور بخش بین‌الملل جشنواره موسیقی فجر را برعهده داشته و گروه‌هایی که به جشنواره اسمال دعوت شدند، با مشاوره او بوده است. او حالا در این باره می‌گوید: «گروه‌های موسیقی خارجی که به اجرای برنامه در ایران می‌برازند، در عین حال به شنونده‌های ایرانی لذت شنیداری می‌رسانند، می‌توانند در بازگشت به کشورشان سفیران فرهنگی ما باشند و این بهترین راه برای معرفی فرهنگ ملی و بومی ما به دیگر کشورهاست.» او همچون بسیاری دیگر از کسانی که مسوویت اجرای کاری به آنها سپرده می‌شود، از محدودیت‌های بودجه می‌گوید و اینکه به خاطر این مساله امکان دعوت از ارکسترهای بزرگ وجود نداشت: «به همین دلیل بر آن شدیم تا با استفاده از بودجه موجود، از گروه‌های کوچک‌تر اما با کیفیت دعوت کنیم. در عین حال تلاش کردیم از آسانبل‌های کوچکی که از نظر جایگاه هنری در موقعیت خوبی قرار دارند و در زمینه کاری وچه بین‌المللی دارند، دعوت به عمل آوریم.» به گفته صدیقی با گروه ۱۲ کشورهای مختلف در این زمینه گفت‌وگو شده است که با توجه به اینکه اغلب گروه‌های مهم برنامه‌شان را سالانه تنظیم می‌کنند، سرانجام این امکان وجود آمد تا تا حدود شش گروه که در زمان محدود جشنواره فرصت داشتند، به دعوت کنیم تا به اجرای برنامه در ایران بپردازند. «برای جشنواره بیست و هفتم، «تم» موضوعی آندانتیم و هدف، کیفیت و تنوع محتوایی بود. سعی کردیم انواع موسیقی و سلیقه‌های مختلفه را در بخش بین‌الملل این دوره از جشنواره پوشش دهیم.» «باشفتان میکوس» از کشور آلمان جزو هنرمندان مطرح سبک موسیقی تجربی و بومی است. گروه «هازار» از کشور سوئیس نیز در حوزه موسیقی تلفیقی می‌کنجد و گروه «بازار بلوز» از کشور سوئد به اجرای موسیقی فولکلور می‌پردازد. گروه «روئین» در کنسرت خود به اجرای موسیقی مینی‌مال می‌پردازد و گروه «کالین ولون» از کشور سوئیس نیز در این بخش موسیقی معاصر جاز را اجرا می‌کند. گروه «دوت پیلانو» از روسیه هم با موسیقی کلاسیک در صحنه حاضر می‌شوند. گروه «هقام» از سوریه یک کوارتت زهی است که رپرتواری از آهنگسازان کلاسیک غرب را اجرا خواهد کرد زیرا تلاش شده تا در موسیقی کلاسیک هم رویکرد منطقی‌ای وجود داشته باشد. صدیقی درباره دعوت از این گروه‌ها می‌گوید: «این هنرمندان در بازگشت به کشورشان می‌توانند به سفیران فرهنگی ما تبدیل شوند. در برخی از بیست‌و‌تالی‌های دنیا، بخشی مختص موسیقی خاورمیانه وجود دارد و با گسترش ارتباطات، هنرمندان کمتر شناخته شده ما نیز می‌توانند نمونه کارشان را در اختیار جشنوار‌های دیگر کشورها قرار دهند. این در حالی است که در جشنواره کلید مبادلات فرهنگی می‌خورد.» به گفته مشاور بخش بین‌الملل اسمال بخش بین‌الملل جشنواره موسیقی، بعد از بخش پاپ، پر فروش‌ترین بخش است و بلیت‌های کنسرت «اشفتان میکوس» و «دوت پیلانو» تمام شده است.

نمایش خانگی | توزیع «ساخت ایران» در شبکه نمایش خانگی

همزمان با اعزام گروه سریال «ساخت ایران» به فرانسه، محمدرضا گلزار نیز به تیم بازیگران این سریال اضافه شد. محمدرضا گلزار که برای اولین‌بار در یک سریال نمایش خانگی بازی می‌کند، قرار است در نقشی کاملاً کاندیدای مجلس از بازیگران سریال «ساخت ایران» به کارگردانی محمدحسین لطیفی قرار است از ۲۲ بهمن امسال در شبکه نمایش خانگی توزیع شود. منصور سهراب‌پور و سیدامیر پروین‌حسینی تهیه‌کنندگی سومین

تلویزیون | امیر جعفری و ریما رامین‌فر در «چک برگشتی» سیروس مقدم

سریال «چک برگشتی» به کارگردانی سیروس مقدم که قرار است نوروز امسال از شبکه اول سیما روی آنتن برود، کلید خورد. امیر جعفری در نقش لطیف، ریما رامین‌فر در نقش واههر لطیف و هاشمی در نقش کاندیدای مجلس از بازیگران سریال «چک برگشتی» هستند. «چک برگشتی» درباره خانواده‌ای است که برگشت خوردن یک چک مشکلاتی را برایشان به وجود می‌آورد. سریال نوروزی شبکه اول را سرورش صحت

دوره جدید - شماره ۷۶۶
شماره مسلسل ۱۵۰۴
چهارشنبه ۱۹ بهمن ۹۰
۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۲۲
۸ فوریه ۲۰۱۲

فره‌نیشجگان

روزنامه سیاسی / اقتصادی / فرهنگی / ورزشی / اجتماعی

WWW.FDN.IR

پیکسل

داریوش مهرجویی اولین سیمغز بهترین فیلم در بخش بین‌الملل را از جشنواره گرفت



سازمان امور سینمایی صبح دیروز در برج میلاد افتتاح شد

شمقردی رئیس شد؛ مهرجویی «تیا» برد

سازمان امورسینمایی و بخش‌های اصلی‌اش

جواد شمقردی در بخشی از صحبت‌هایش درباره وظایف و نحوه عملکرد سازمان امور سینمایی توضیح داد:«رئیس سازمان امور سینمایی کشور به صورت همزمان جایگاه معاونت وزیر را نیز دارد، در سازمان امور سینمایی سه معاونت امور آثار سینمایی و سمعی- بصری، امور فعالیت‌های سینمایی و سمعی- بصری و توسعه سینمای و پشتیبانی وجود دارد که هر کدام زیرمجموعه‌های خود را دارند. در این معاونت سه دفتر و اداره کل به فعالیت خواهند پرداخت. دفتر ارزشیابی و نظارت در این معاونت فعالیت‌هایی را که آقای سجادیور پیگیری می‌کردند انجام خواهد داد یا این تفاوت که این دفتر تنها روی آثار سینمایی نظر می‌دهد نه افراد. دفتر توسعه آثار سینمایی و سمعی- بصری، دفتر دیگری در این معاونت است که بحث ساماندهی و حمایت همزمان با صدور مجوز را در اولویت کاری خود قرار می‌دهد. در این بخش موسسات مختلف زیرمجموعه معاونت قدیم فعالیت کرده و همچنین بخش خصوصی نیز فعال‌تر خواهد شد. این‌س دفتر در جهت اجرای عدالت در فعالیت‌های سینمایی گام بر می‌دارد. همچنین دفتر مطالعات و توسعه دانش نیز از دیگر زیرمجموعه‌های معاونت آثار سینمایی می‌سمعی- بصری است. در این معاونت نیز دفاتر مختلفی وجود دارد.یکی از دفاتر درباره همه مراکز، تشکله‌ها، استودیوها، لابراتوارها و… سینمایی نظر و مجوز می‌دهد. همچنین در دفتر دیگری از این معاونت بحث حمایت از این مراکز و تشکله‌های سینمایی پیگیری می‌شود. دفتر دیگری که زیرمجموعه معاونت آثار سینمایی امور سینمایی است بحث ساماندهی مجامع و جشنواره‌های سینمایی را برعهده خواهد داشت. در قرار داشتند و تشکیل‌تای موز در بخش خصوصی وظیفه صوف را برعهده داشتند. این موسسات در فرآیندها و مذاکرات ماهه‌ای آینده‌ماموریت‌هایشان تعیین کرد تا با ساختار جدید تطبیق بیشتری پیدا کنند.»

از ارتباط بهتر با صوف در مراسم صحبت کرده بود، درباره وضعیت خانه سینما توضیح داد و اینکه وزارت ارشاد در حال حاضر می‌تواند به شکل قانونی خانه سینما را تحویل بگیرد. شمقردی برای اولین‌بار در این گفت‌وگو به نظرات محمود احمدی‌نژاد درباره اوضاع و احوال خانه سینما اشاره کرد و گفت: «صوف سینمایی باید مستقر شوند و نظر رئیس‌جمهور این است که صوف ویژه پردیس، همچنین دنبال حضور داشته باشند و حدود ۱۰ اتحادیه و سندیکا تشکیل شود. صنوفی که فعالیت‌های آنها شبیه به هم است نیز زیر یک اتحادیه مشخص فعالیت کنند.» شمقردی توضیح داد که مدیران به این نتیجه رسیده‌اند که جمع‌بندی برسد و خانه را به ساختار جدید تبدیل دهند. سندیکای ساختاری که برای صنوف یک ساختمان جدید دارد و آنها را از خیابان بهار به آنجا منتقل می‌کند.

وزیر ارشاد و اهدافش برای تاسیس

سازمان امور سینمایی

سیدمحمد حسینی معتقد است تشکیل سازمان امور سینمایی به معنی دولتی‌شدن سینما نیست، وزیر ارشاد در مراسم صبح دیروز درباره سازمان امور سینمایی گفت: در مراسم تاسیس سازمان سینمایی به جز این صحبت‌ها حرف دیگری درباره ارتباط با صنوف و بخش خصوصی سینما که همان اهالی سینما و سینماگران می‌شوند، نزد. دولتی‌کردن سینما نیستیم. هدف ما این است که با این سازمان خدمات‌رسانی بیشتری به اهالی سینما انجام دهیم و هرگز هدف ما این نیست که سینمای کشور را کاملا دولتی کنند و به دنبال دولتی کردن

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی

مدیر مسئول: افشین محمدی

سردبیر: بهروز فریاش

نشانی: خیابان حافظ- بعد از پل دوم حافظ- روبه‌روی

ساختمان پورس- ساختمان فرهیختگان- طبقه سوم

روابط‌عمومی:۰۲۹-۶۶۷۶۰۶۶۷۶

مشنی‌تعمیریه:۰۱۸۲-۶۶۷۶۰۱۸۰

تعمیر (مدیرمسئول):۰۵۱-۶۶۷۶۰۵۱

تعمیر (تعمیریه):۰۴۷-۶۶۷۶۰۴۷

تلفن سازمان‌الگهی‌ها:۰۳-۴۴۲۴۵۹۷۲

توزیع و امور شهرستان‌ها:۱۱-۶۶۳۲۸۰۱۱

چاپ‌طوطی

■ اذان ظهر: ۱۲/۱۹

■ غروب خورشید: ۱۷/۳۸

■ اذان مغرب: ۱۷/۵۷

■ نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۵

■ اذان صبح فردا: ۵/۳۱

■ طلوع خورشید فردا: ۶/۵۸

پاراگراف |

یک جدایی، ادبیات، طبقه متوسط

و جدایی نادر از سیمین



یوسف انصاری

۱- «پاراگراف» به هفته پنجم رسید.

ستون حاضر در این پننج هفته گویا مخاطبان خود را پیدا کرده و این باعث خوشحالی من است. شاید در یکی از یادداشت‌های آینده درباره ضرورت ستون‌نویسی هم بنویسم. ستون‌نویسی در همه‌جای دنیا کار متداولی است و

امروزه در آمریکا و اروپا نویسندگان زیادی، در کنار نوشتن داستان، ستون هفتگی یا ماهانه نیز دارند و نوشتن ستون جزئی از کار نویسندگی‌شان محسوب می‌شود. حدود یک ماه پیش بود که از «حسن محمودی» عزیز خواستم تا ستونی در روزنامه فرهیختگان داشته باشم. اول قرار بود این ستون با نام «کتاب هفته» منتشر شود، بعد بهتر دیدم اسم این ستون «پاراگراف» باشد تا یادداشت‌ها محدود به معرفی کتاب‌های منتشرشده نشود. پاراگراف قرار بوده و هست که با نگاهی انتقادی به هر موضوعی که به نحوی با ادبیات مرتبط است بپردازد. ایده‌هایی را در حد هزار کلمه این مجال مطرح کند که شاید دیگران بحث را ادامه دهند؛ یعنی به نوعی آغازگر بحث‌هایی باشد که از نظر من سربه‌مهر باقی مانده یا کمتر مجال حضور پیدا کرده‌اند. خوب؛ تا جایی که می‌دانم نوشتن و کتاب‌های منتشر شده نیست که با ادبیات ربط پیدا می‌کند. مسائل دیگری هم هست که می‌تواند تأثیری بر رشد ادبیات یک کشور داشته باشد که به دلایلی، که در مجال این یادداشت نیست، کمتر سریع آنها می‌رویم. برای همین شاید در یک ستون از نویسندگی حرف بزنم و هفته بعد درباره جوایز ادبی و هفته دیگر درباره نقش ناسرها یا بخش کتاب نویسندگان که با هزینه خود کتاب منتشر می‌کنند و هر چیزی که بتواند آغازگر گفت‌وگویی باشد. چهار ستون گذشته نیز با همین رویکرد نوشته شد و تا جایی که خودم خوانده‌ام مستقیم و غیرمستقیم واکنش‌هایی به همراه داشت که امیدوار کننده بود. فقط می‌ماند یک توضیح ضروری و آن هم این‌که: قرار نیست در این ستون نقد ادبی بخوانید بلکه قرار است تنها ایده‌هایی مطرح شود که این ایده‌ها ممکن است با مزاج برخی سازگار باشد یا نباشد و نظرات موافق و مخالف از اجتناب‌ناپذیر است. شاید بهتر بود در همان ابتدا درباره این ستون توضیح می‌دادم تا مخاطب مجبور نباشد حالا به جای ادامه بحث هفته گذشته این توضیحات را بخواند.

۲- هفته قبل ایده‌ای را طرح کردم که برای درک بهتر نیاز به گسترش داشت: نویسنده و طبع‌اش، از نمایشنامه «عاقبت قلم‌فرسایی» نوشته «غلامحسین ساعدی» به‌عنوان یک نمونه خوب مثال آوردم. ساعدی در این نمایشنامه به درستی نشان داده است که یک شبه‌نویسنده چطور مقال‌شخصیت «گدا» شکست می‌خورد، چون شناختش از شخصیت گدا محدود به تکراروایتی است که اغلب مردم نیز به همین تکراروایت دچار هستند. در شماره نهم مجله «استان‌شهرسپهری» دوره جدید، دی ۱۳۹۰، صفحه ۲۲۵ مقاله درخشانی از «چیماماندا انگری ادیچی» نویسنده و محقق نیجریه‌ای منتشر شده است با نام «خطر تکراروایت». ادیچی در این مقاله بحث تکراروایت‌ها را پیش می‌کشد و اینکه چطور کلیشه‌ها به تنها روایت موجود تبدیل می‌شوند. این تکراروایت‌ها همه‌جا حضور دارند، در نگاه سیاستمداران آمریکا به آفریقا یا در نگاه نویسندگان به یک طبقه خاص، در همه دربار نویسنده و طبع‌اش نیز همین است. شبه‌نویسنده نمایشنامه ساعدی دچار تکراروایتی از شخصیت گدا است که اغلب ما نیز گاهی دچارش هستیم. اینکه گدا آدم مظلوم و ستم‌دیده‌ای است یک تکراروایت از شخصیت گداست که ساعدی روایتی دیگر از این شخصیت نشان می‌دهد. مثال‌های دیگری نیز آوردم تا نشان دم چطور نویسنده‌ها دچار این تکراروایت شدند و کلیشه‌ها وارد داستان‌هایشان شده است.

بحث طبقه در ایران قبل از انقلاب تحت‌تأثیر حزب توده و فاصله طبقاتی نیز بحثی داغ بود. همین نگاه طبقاتی وارد ادبیات نیز شد تا جایی که بعضی نویسنده‌ها حتی از حزب توده سفارش می‌گرفتند تا درباره طایفه کارگر داستان بنویسند که این آثار تولیدشده مصداق واقعی قلم‌فرسایی بود. امروزه دیگر کمتر کسی مخاطب این نوشته‌ها را مخاطب و صدق‌نویسنده و شکل‌گیری طبقه متوسط در ایران، بحث این طبقه وارد ادبیات و سینما نیز شد. موفق‌ترین نمونه در سینما، جدایی نادر از سیمین» است که کاندیدای جایزه اسکار امسال شده و توجه مخاطبان بسیاری را نیز در سرتاسر دنیا به خود جلب کرده که اتفاق خوبی است، اما نمی‌شود این فیلم را با ادبیات مقایسه کرد و حسرت خورد که چرا ادبیات ایران اصغر فرهادی ندارد! ولی می‌شود به‌عنوان نمونه‌ای دیگر که بحث را روشن‌تر کند درباره این فیلم حرف زد. این فیلم دغدغه‌های طبقه متوسط و مشکلاتش را البته با نگاهی انتقادی، نه شیفتگی یا شعارزدگی‌ای که برخی دچار آن هستند، مضمون خود قرار داده است. از روزی که این فیلم را دیدم مدام از خودم می‌پریدم: چرا «جدایی نادر از سیمین» فیلم موفق‌تری بود و بعد مدام برای مثال حتی مخاطب نارسوی می‌جنب این فیلم می‌شود؟ قبل از فرهادی نیز فیلمسازان زیادی به طبقه متوسط پرداختند اما با این استقبال روبه‌رو نشدند. چرا؟ مخاطب این فیلم‌ها کسانی بودند که دچار یک تکراروایت از این‌سین طبقه بودند و فیلم‌ساز در بهترین حالت در حال سوءاستفاده از این مخاطب بود و همان چیزی را روی پرده سینما نمایش می‌داد که در میان مخاطب انتظارش را داشت؛ یعنی همان تکراروایت‌ها یا کلیشه‌ها. خوب؛ این نوع فیلم‌ها فرهادی برای نخستین‌بار این تکراروایت را شکست و روایتی دقیق‌تر را روی پرده برد. شاید برای همین بعضی مخاطبان در اواسط فیلم دچار سرخیمه می‌شوند، چرا که جدایی نادر از سیمین تکراروایت مخاطبان را نشانه گرفته است و به نوعی می‌توان گفت از این تکراروایت آشنایی‌زدایی می‌کند. مخاطب این فیلم در همه جای دنیا با روایتی دیگر از ایران امروز مواجه می‌شود نه تکراروایتی که سال‌ها دچار آن بود. در حالی‌تکه در ادبیات داستانی نیز قصه همین است. به‌عنوان نمونه، «امیرحسین خورشیدفر» با مجموعه‌داستان «زندگی مطابق خواسته تو پیش می‌رود» بعد از یک دهه جریان داستان‌های انبکی مثلا کاروری با فادما آپاراتمانی، روایتی دیگر از طبقه متوسط در تک‌تک داستان‌هایش ارائه می‌دهد و موفقیتش کنیاش را در میان همین تریبونی بود که دچار تکراروایت و کلیشه‌های امروسم نشد و حالا دیگر بعد از این مجموعه‌داستان اگر کسی به کلیشه‌های داستان‌های آپاراتمانی برگردد پذیرفته نیست.

و اما برای آخرین نکته درباره این بحث، منظور از همه این حرف‌ها این نیست که حتماً نویسنده باید از طبقه خود بنویسد، بلکه نویسنده‌های زیادی بوده و هستند که آثارشان محدود به هیچ طبقه‌ای نبوده و نیست، اما اگر نویسنده‌ای طبقه‌ای را موضوع اثر خود قرار داد، برای اینکه بتواند روایتی دقیق از این طبقه ارائه بدهد چاره‌ای ندارد جز اینکه از تکراروایت‌های امروسم بگذرد.

ادبیات | نشستی برای نقد ترانه و ترانه‌سرای

سیدعباس سجادی، شاعر و ترانه‌سرا و مدیر موسیقی معاونت هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران گفت: «در نشست نقد نغمه که همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از ساعت ۱۸ آغاز می‌شود، قرار است محمدعلی بهمنی، عبدالجبار کاکایی، افشین بدلالی و اهوازای ایمان وعبانوشاعر و ترانه‌سرا پیرامون این موضوع به بحث و گفت‌وگو بپردازند.» به گفته این مقام مسوول: «ما به روال برخی برنامه‌های گذشته نقد نغمه به

یاد | استفندیار احمدیه از دنیا رفت

استفندیار احمدیه -از بنیانگذاران انجمنشمن در ایران- در سن ۸۳ سالگی از دنیا رفت. سینا احمدیه در این‌باره به ایسنا گفت: «پدرم بعدازظهر دیروز - ۱۷ بهمن‌ماه - در بیمارستان «سجاد» تهران از دنیا رفت.» به گفته سینا، استفندیار احمدیه طی سه روز گذشته به اثر یک بیماری خونی در بیمارستان بستری شد و دیروز درگذشت. استفندیار احمدیه متولد ۱۳۰۷ در تهران است و نورالدین زرین‌کلک - از پیشکسوتان انجمنشمن -

در مراسم تقدیری از احمدیه، با بیان اینکه استفندیار احمدیه اولین خشت انجمنشمن را در ایران گذاشته است، گفته بود: «بدون آنکه در آن زمان کسی خبر داشته باشد، ایشان کار انجمنشمن را آغاز کردند.» مراسم تشییع پیکر این هنرمند امروز صبح از ساعت ۹ ز مقابل منزلش آغاز می‌شود و در ساعت ۱۰ و تا ۱۰/۳۰ دقیقه در خانه هنرمندان رسمیت پیدا می‌کند.